

﴿ پیر بور دیو ﴾

درسی دربارهٔ درس

■ ترجمهٔ ناصر فکوهی ■



نشرنی

فهرست مطالب

۷ دروس کلژ دو فرانس
۹ پیشگفتار مترجم
۱۵ درسی دربارهٔ درس

پیوست‌ها

۵۳

۵۵ واژگان کلیدی بورديو
۵۷ واژگان
۸۶ جوانی واژه‌ای بیش نیست!
۱۰۲ دانشگاه‌ها: پادشاهان برهنه
۱۱۹ مردان تصمیم می‌گیرند، زنان کنار می‌نشینند!
۱۲۶ جامعه‌شناسی یک ورزش رزمی است
۱۳۷ پیر بورديو در سی‌وهفت کتاب

دروس کلژ دو فرانس

کلژ دو فرانس از سال تأسیس در ۱۵۳۰، رسالت اساسی خود را نه تدریس دانش تثبیت شده، بلکه «دانش در حال شکل‌گیری»، پژوهش‌های عملی و فکری اعلام کرده است. کلاس‌های این نهاد دانشگاهی رایگان و ورود به آن‌ها برای همگان آزاد است. در کلژ دو فرانس هیچ ثبت‌نامی انجام نمی‌گیرد و هیچ مدرکی به شرکت‌کنندگان در کلاس‌ها داده نمی‌شود.

شعار کلژ دو فرانس «جایی که همه چیز تدریس می‌شود»^۱ است و در آن پنجاه و دو کرسی تدریس می‌شوند که مجموعه‌ای وسیع از رشته‌ها را در خود جمع کرده است. هر سال علاوه بر کرسی‌های مزبور، یک کرسی اروپایی، یک کرسی بین‌المللی، یک کرسی خلاقیت هنری و از سال ۲۰۰۶، یک کرسی نوآوری فناورانه نیز در کلژ دو فرانس تأسیس شده است.

اساتید کلژ دو فرانس آزادانه با همیاری همکاران خود و بنا بر تحول

1. Docet omnia

درسی دربارهٔ درس

[قاعدتاً باید در این جا] می‌توانستیم درس خود را (ولو درسی برای افتتاح یک کرسی) ارائه می‌کردیم بی آن‌که از خود بپرسیم: به چه حقی چنین چیزی از ما خواسته‌اند؟ اما برای آن‌که چنین پرسشی را از ذهن مان دور کنیم، نهاد کلژ دو فرانس و در کنار آن اضطراب ناشی از تصمیم‌های خودسرانه‌ای که ممکن است فرد را در آغاز کار قربانی کنند، حضور دارند: درس افتتاحیه خود یک منسک تفویض اختیار و مسئولیت است، کنش آغازینی که به صورتی نمادین عمل انتقال نمایندگی را به انجام می‌رساند، کنشی که در انتهایش، استاد جدید از سخن‌گفتن با اقتدار برخوردار و سخنانش به گفتمانی مشروعیت‌یافته بدل می‌شوند که از زبان فردی محق به سخن‌گفتن بیان می‌شوند. کارایی حقیقتاً جادویی این منسک بر مبادله‌ای خاموش و ناپیدا استوار است که از یک سو میان استاد نورسیده، که به سخن‌گفتن عمومی فراخوانده شده، انجام می‌گیرد و از سوی دیگر دانشمندانی که شخصاً در این جا حضور یافته‌اند تا به این سخنان گوش بسپارند (به عبارت دیگر، آن سخنان را بپذیرند)؛ و این پذیرش دانشمندان است که بدل به پذیرشی جهان‌شمول می‌شود و

سخنان استاد جدید را به معنی واقعی کلمه به یک *سخنرانی استادانه* تبدیل می‌کند. اما بیاییم بازی درس افتتاحیه درباره درس افتتاحیه را بیش از این به پیش نرانیم: جامعه‌شناسی - علم نهاد و رابطه - خوشبختانه یا بدبختانه، در این نهاد، نوعی فاصله‌گذار ناپذیر را ایجاد و تولید می‌کند که گاه تحمل ناشدنی است؛ فاصله‌ای نه فقط در این نهاد، بلکه همچنین برای خود ما؛ زیرا موقعیت معصومیتی را که می‌توانستیم بر آن تکیه کنیم و با خوشبختی به انتظارات این نهاد پاسخ مثبت دهیم از ما سلب می‌کند.

درسی درباره درس، گفتمانی که اندیشیدن بر خویش را در خود عمل گفتمان انجام می‌دهد، چه به مثابه تمثیل و چه به مثابه پارادایم، می‌توانست لاقلاً این حسن را در بر داشته باشد که یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های جامعه‌شناسی را، به گونه‌ای که درک می‌کنیم، به یادمان بیاورد: تمام گزاره‌هایی که این علم پیش می‌نهد، می‌توانند و باید بر موضوعی که علم را می‌سازد، کاربردپذیر باشند. و زمانی که جامعه‌شناسی نمی‌تواند این فاصله عینی سازنده^۱، و بنابراین انتقادی را ایجاد کند، به آن مستقدانی میدان می‌دهد که جامعه‌شناسی را در نقش یک مفتش تروریست و آماده انجام هر عملی برای اجرای نظارتی نمادین می‌بینند. نمی‌توان درون جامعه‌شناسی راه یافت بی آن‌که ابتدا خود را از بند تبعیت‌ها و پیوندهایی که ما را به گروه‌های مختلف متصل کرده‌اند، رها ساخت؛ بی آن‌که باورهای ما را که به این تعلق‌ها دامن زده‌اند نفی کرد؛ بی آن‌که تمام بندهای مان به هر جایی و هر تباری را به دور انداخت. جامعه‌شناسی از آن‌چه «مردم» می‌نامیم ریشه گرفته و به آن‌چه «نخبگان» نام می‌دهیم رسیده است، و بدین ترتیب نمی‌تواند به روشن‌بینی که در هر نوع از جابه‌جایی اجتماعی وجود دارد دست یابد، مگر آن‌که از یک سو باز نمود

عامه‌گرایانه (پوپولیستی) مردم را (که تنها می‌تواند سازندگان آن را گول بزند) و از سوی دیگر باز نمود نخبه‌گرایانه نخبگان را (که صرفاً می‌تواند کسانی را که خود را نخبه می‌دانند و کسانی را که نخبه نیستند گول بزند) کنار گذاشته و محکوم کند.

این‌که موقعیت اجتماعی دانشمند را مانع و سدی غیرقابل عبور برای ساختن یک جامعه‌شناسی علمی بدانیم، از آن‌جا ناشی می‌شود که فراموش می‌کنیم جامعه‌شناسی می‌تواند ابزارهایی به ما بدهد که به جنگ جبرگرایی‌های اجتماعی حتی در علمی که آن‌ها را به روز می‌کند و بنابراین با وجدان خود انطباق‌شان می‌دهد، برویم. جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی است که به ما امکان می‌دهد با در اختیار گرفتن دستاوردهای علمی‌ای که تاکنون کسب شده‌اند علیه [نوعی از] علم بسیج شویم، و این ابزاری ناگزیر در روش شناختی است: ما همان اندازه می‌توانیم علیه آموخته‌های خود، شناخت تولید کنیم که با شناخت خود (به‌ویژه در جامعه‌شناسی) و تنها تاریخ است که می‌تواند ما را از بند تاریخ رها کند. بدین ترتیب است که تاریخ اجتماعی علوم اجتماعی، به شرط آن‌که خود را به مثابه یک علم ناخودآگاه درک کند، در سنت بزرگ شناخت‌شناسی تاریخی که ژرژ کانگیلم^۱ و میشل فوکو آن را ترسیم کرده‌اند، یکی از قدرتمندترین ابزارهایی است که ما در دست داریم تا بتوانیم خود را از چنگ تاریخ رها کنیم. یعنی از چنگ سلطه «گذشته» ای بدون کالبد که در «حال» تداوم می‌یابد و یا از چنگ «حال»ی که همچون مدهای رایج روشنفکری در لحظه ظهورش دیگر از مد افتاده است. اگر جامعه‌شناسی نظام آموزش و جهان روشنفکری به نظر من اساسی می‌آیند، دلیلش آن است که این جامعه‌شناسی به ما در شناخت سوژه شناخت نیز کمک می‌کند و برای

1. Georges Canguilhem

1. objectivante